

Cultural functions of Sheikh al-Islami position in the Safavid period

Mohammad Baqer Zeinali¹|Ali Elhami (corresponding author)²|Hossein Khosravi³|Sohrab Islami⁴
(DOI): [10.22034/MTE.2022.10862.1460](https://doi.org/10.22034/MTE.2022.10862.1460)

Abstract

Original Article
P 100 - 121

The position of "Sheikh al-Islami" was one of the important religious positions of the Safavid era, which was established in the court, centers and provinces of Iran in order to spread the religious culture and teachings of the Twelve Imams and was able to leave deeply impact on various dimensions of the political-social system, especially the cultural structure of Iranian society.

The basic question is, what is the status of "Sheikh al-Islami position" in this period and how did it influence the cultural-political developments of Safavid Iran? It seems that the cultural function of this position in this period left an important role in the cultural and political aspects of the Safavid era and was able to institutionalize the teachings of Ahl al-Bayt (AS) among the social classes. The most important function of Sheikh al-Islami, which was the strongest and most effective factor in strengthening the spirit of solidarity among Iranians and increasing the growing sentiments of the Shia religion, also this religion became an important factor in creating new works in the field of various sciences, as a result, the continuation of mourning in this period became official. The result of two political and cultural discourses is that on the one hand, the Sufi ruling body made the Safavid sect to respond flexibly to the needs and realities of the time, so as to move away from the beliefs and culture of the disciple and the religious order of the monastery. And on the other hand, it has motivated prominent and scattered Shia mujtahids and thinkers to collaborate and establish fundamental efforts in the direction of developing and deepening the culture and teachings of Shia religion. The result of this partnership was that a deep transformation took place in the court and government apparatus of Iran during the Safavid era, which included the official announcement of the Shia religion, the explanation and expansion of the teachings of the Ahl al-Bayt (AS), the development and expansion of the Shia culture at different levels of society, among the achievements and functions of this office which with the direct support of the Safavid rulers and the efforts of scholars, many symbols and religious ceremonies have been officially and publicly implemented. The following article examines and analyzes the cultural functions of Sheikh al-Islami's position in Iran during the Safavid era with a descriptive-analytical historical approach and using library sources.

Key words: Sheikh al-Islam, Safavid, function, culture

1 - PhD student of Islamic Civilization History, Islamic Azad University, Khomein Branch, Iran. zanili.mb@gmail.com

2 - Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Iran. aelhami@yahoo.com

3 - Department of Education, Faculty of Liberal arts, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. hkhosravai880@gamil.com

4 - Department of Education, Faculty of Liberal arts, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. s_eshlami@iau-arak.ac.ir

Received: 2022/01/04 | Accepted: 2022/04/23



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

کارکردهای فرهنگی منصب شیخ الاسلامی در دوره صفویه

محمد باقر زینالی^۱ | علی الهامی (نویسنده مسئول)^۲ | حسین خسروی^۳ | سهراب اسلامی^۴

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/MTE.2022.10862.1460](https://doi.org/10.22034/MTE.2022.10862.1460)

چکیده

علمی - پژوهشی

ص: ۱۲۱/۱۰۰

منصب "شیخ الاسلامی" یکی از مناصب مهم دینی عصر صفوی بود که در راستای گسترش فرهنگ و آموزه های دینی - مذهبی شیعه دوازده امامی در دربار، مراکز و ولایات ایران پای به عرصه ظهور نهاد و توانست بر ابعاد مختلف نظام سیاسی - اجتماعی به ویژه ساختار فرهنگی جامعه ای ایران تاثیر عمیقی برجای نهد.

پرسش اساسی آن است که "منصب شیخ الاسلامی" در این دوره از چه جایگاهی برخوردار و چگونه بر تحولات فرهنگی - سیاسی ایران عصر صفویه تاثیر گزار بوده است؟ به نظر می رسد کارکرد فرهنگی این منصب در این دوره، نقش مهمی در ابعاد فرهنگی سیاسی عصر صفویه به جای گذاشت و توانست آموزه های اهل بیت (ع) را در میان طبقات اجتماعی نهادینه نماید مهم ترین کارکرد شیخ الاسلامی که قوی ترین و موثرترین عامل تقویت روح همبستگی میان ایرانیان و افزایش احساسات فزاینده ی مذهب تشیع بود، همچنین این مذهب عامل مهمی برای خلق آثار نوین در زمینه علوم مختلف شد به تبع آن ادامه عزاداری در این دوره شکل رسمی و تکامل یافته به خود گرفت. نتیجه دو گفتمان سیاسی و فرهنگی باشد که از یک سو دستگاه هیات حاکمه صوفی مسلک صفوی را به واکنش انعطافی در برابر

^۱ - دانشجوی دکتری تاریخ تمدن اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمین، ایران. zinali.mb@gmail.com

^۲ - گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران. aehami@yahoo.com

^۳ - گروه معارف، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. hkhosravai880@gamil.com

^۴ - گروه معارف، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. s_eslami@iau-arak.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۳



نیازها و واقعیت های زمانه واداشته تا از عقائد و فرهنگ مرید و مراد پروی خانقاهی عدول نماید و از سوی دیگر مجتهدان و اندیشمندان برجسته و پراکنده شیعه را برانگیخته است تا در راستای توسعه و تعمیق فرهنگ و آموزه های مذهب تشیع به تشریک مساعی پرداخته و تلاش های بنیادینی را پی ریزی نمایند. نتیجه این تشریک مساعی آن شد که تحول عمیقی در دربار و دستگاه حکومتی ایران عصر صفویه رخ دهد که اعلام رسمی مذهب شیعه، شرح و بسط آموزه های اهل بیت (ع)، توسعه و گسترش فرهنگ تشیع در سطوح مختلف جامعه از جمله دستاورد و کارکردهای این منصب است که با حمایت مستقیم حاکمان صفوی و تلاش عالمان، بسیاری از نمادها و شعائر مذهبی به طور رسمی و علنی به اجرا درآمده است. مقاله پیش رو با رویکردی تاریخی به شیوه توصیفی-تحلیلی و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای به بررسی و واکاوی کارکردهای فرهنگی منصب شیخ الاسلام، صفویه، کارکرد، فرهنگ

واژگان کلیدی: شیخ الاسلام، صفویه، کارکرد، فرهنگ

مقدمه

هنگامی که مبارزات سیاسی خاندان شیخ صفی الدین اردبیلی با شکست سپاهیان «آق قویونلوها» به پیروزی رسید، نگرش آنان به تدریج از فضای فرهنگی مراد و مریدی صوفیانه خارج و به آموزه های فقهی و کلامی مذهب تشیع روی آور شدند؛ علت اصلی این تغییر نگرش آن بود که مملکت داری و اداره نظام سیاسی با دستورالعمل های خانقاهی امکان پذیر نبود و نیازمند قانون، مبانی علمی-فلسفی و نظام حقوقی مستحکم و قوی ای بود تا امور اجتماعی، اقتصادی، تجاری؛ کسب و معیشت مردم، درگیری ها، نزاع ها و اختلافات حقوقی، اجتماعی و قضائی مورد نیاز جامعه را پاسخ گو باشد و از سوی دیگر نظر به اینکه صفویان از همان آغاز با نظام خلافت عثمانیه لحاظ اعتقادی و سیاسی در ستیز بودند از این رو توجه حاکمان صفوی به فقهای شیعه، علوم و معارف فقهی، کلامی و معرفتی آنان معطوف گشت؛ این فرایند سبب شد تا مکتب شیعه اثنی عشری و آموزه های آن به تدریج در قلمرو جامعه ایرانی جاری و استحکام یابد.

با پیروزی و غلبه شاه اسماعیل صفوی و ورودش به شهر تبریز رسماً حکومت صوفیانه صفویه به سال ۹۰۷ هجری قمری در این شهر بنیان نهاده شد، نظر بر این که اغلب شهرهای ایران هنوز بر مذاهب تسنن بودند، از این رو حاکمان صفوی با توجه به مراتب یاد شده از علمای شیعی شهرهای مختلف جهان اسلام مخصوصاً جبل عامل لبنان، عراق عرب دعوت به عمل آورده و زمینه‌ی ترویج فرهنگ و تعالیم شیعه را فراهم نمودند. بدین سان فرهنگ تصوف و تسنن به انزوا گرائید و از حضور پیشوایان فکری آنها در عرصه های سیاسی - اجتماعی و دخالت در امور سیاسی - حکومتی ممانعت به عمل آمده و صرفاً به حضور در خانقاه ها تنزل یافتند. متقابلاً با هجرت عالمان شیعه به ایران و همکاری آنان با حکومت صفویه فرصتی فراهم شد که سازمان روحانیت شیعه جایگاه والائی در نظام سیاسی و در میان طبقات مردم پیدا نماید، فقهای شیعه برای اولین بار به صورت رسمی با عنوان "منصب شیخ الاسلامی" در ایران و ساختار نظام سیاسی جایگاه رفیعی یافتند. محقق کرکی با استفاده از فضای مساعد سیاسی - اجتماعی ایران برای استقرار مذهب شیعه و فرهنگ اهل بیت (ع) در صد بر آمد زمینه را برای حضور و فعالیت دیگر علمای شیعه، همچون: شیخ بهایی، میرداماد و علامه مجلسی و... در سراسر قلمرو ایران فراهم آورد.

در این نگاشته سعی بر آن است، نقش عالمان در کسوت صاحبان این منصب به عنوان

کارکردهای منصب شیخ الاسلامی در راستای اعتلای و گسترش فرهنگ و آموزه‌های اهل بیت ع در ایران عهد صفوی مورد بحث و تحلیل قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که مطالعه و پژوهش‌های فراوانی در رابطه با ایران عصر صفوی و تحولات سیاسی این دوره در قالب مقالات، رساله‌ها، پایان نامه‌ها و کتب فراوانی صورت گرفته است لکن پژوهش مستقلی با عنوان "کارکردهای فرهنگی منصب شیخ الاسلامی در دوره صفویه" برای نگارنده تا کنون مشاهده نگردیده است از این روی، جایگاه چنین بحثی خالی و جدید به نظر می‌رسد از جمله پژوهش‌های با انجام رسیده در رابطه با پیشینه پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی کتابی است که سید هاشم آقاچری آن را به نوشته تحریر در آورده است. (آقاچری، سید هاشم، مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران صفوی. ناشر، طرح نقد، ۱۳۹۵)

ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی کتابی است که سید منصور صفت گل در مورد نهادها به آن پرداخت کرده است. (صفت گل، منصور، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران اثر صفوی، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۱)

بهر حال دیدگاه‌های متفاوتی در باب رابطه‌ی دین و دولت در عصر صفویان ارائه شده است که این نگاه‌ها را می‌توان بازمی‌نگاشت. (صفت گل، منصور، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران اثر صفوی، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۱)

بهر حال دیدگاه‌های متفاوتی در باب رابطه‌ی دین و دولت در عصر صفویان ارائه شده است که این نگاه‌ها را می‌توان بازمی‌نگاشت. (صفت گل، منصور، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران اثر صفوی، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۱)

بهر حال دیدگاه‌های متفاوتی در باب رابطه‌ی دین و دولت در عصر صفویان ارائه شده است که این نگاه‌ها را می‌توان بازمی‌نگاشت. (صفت گل، منصور، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران اثر صفوی، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۱)

بهر حال دیدگاه‌های متفاوتی در باب رابطه‌ی دین و دولت در عصر صفویان ارائه شده است که این نگاه‌ها را می‌توان بازمی‌نگاشت. (صفت گل، منصور، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران اثر صفوی، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۱)

سیر تحول تاریخی منصب شیخ الاسلامی:

عنوان شیخ الاسلامی و سابقه آن به قرون اولیه اسلام می‌رسد، اولین بار برخی بزرگان تصوف را به این عنوان نامیده‌اند. (ابطحی، ۴۰، ۱۳۸۳) سپس «در اواخر قرن چهارم هجری، نخست فرقه ای از اهل سنت در خراسان یکی از علمای خود را لقب شیخ الاسلام دادند.» (همان، ۴۰)

این عنوان نماد مقام شامخ علمی و عرفانی و سپس فقهی بوده و همواره عالمان دینی که آوازه علمی، عرفانی و یا فقهی آنان طنین انداز جهان اسلام بوده و نقش مهمی در ترویج آموزه‌های دینی و تعمیق باورهای مردم داشتند به این عنوان شهره شده‌اند. با توجه به تکرر فرقه‌ها رقابت زیادی در بین مریدان این فرقه‌ها وجود داشته است. افرادی مانند: «فخر رازی (م ۶۰۶)، خواجه عبدا... انصاری (م ۴۸۱)، ابوالعباس احمد بن حسن عبدالله بن یزید سرخی یزادی (م ۴۰۹)، ابوبکر محمد بن یوسف یزیدی (م ۴۳۰)» با عنوان شیخ الاسلام مطرح بودند (مهدوی، ۱۳۲۷، ۲۷۵-۲۷۷). البته به غیر از این عنوان، موارد دیگری همچون: «عماد الاسلام، فخر الاسلام، رکن الاسلام، زین الاسلام، حجت الاسلام، برهان الاسلام، نظام الاسلام، ثقه الاسلام و...» از باب احترام به فقهای نامدار دارای مقام اجتهاد، فتوا و شخصیت‌های برجسته مسلمان به کار می‌رفته است (مهدوی، ۱۳۲۷، ۲۷۵-۲۷۷). از قرن پنجم به بعد شاخص‌ترین صوفیان به این نام مشهور بودند؛ از جمله شیخ صفی‌الدین اردبیلی اولین فرد فرقه صوفیه صفوی بوده که به این عنوان نامیده شده است بطوری که خواجه رشیدالدین فضل... در نامه ای به پسرش که حاکم اردبیل بود در مورد رعایت احترام به شیخ صفی‌الدین چنین می‌نویسد: «نوعی سازی که جانب قطب فلک حقیقت و سیاح بحار شریعت و مساح مضمار طریقت، شیخ الاسلام و المسلمین از تو راضی و شاکر باشد.» (امینی، ۱۳۸۷، ۳۶۰). در کشور عثمانی هم «قانون نامه سلطان محمد دوم از "شیخ السلام" بعنوان ریس العلماء نام برده شده است که بی تردید مفتی پایتخت بوده است.» (دورسون، ۱۳۸۱، ۳۰۳)

بنابراین عنوان "شیخ اسلام" و عناوین یادشده؛ هم معنی شیخ الاسلام نشان از مقام و مرتبه علمی و معنوی بوده که در تاریخ جهان اسلام طی قرون نخستین مورد استفاده قرار گرفته و جنبه رسمی و حکومتی نداشته است.

تحول منصب شیخ الاسلامی در عصر صفوی

در واقع این دوران نقطه انعطاف عنوان "شیخ الاسلام" از صوفیان عارف به فقیهان بوده است. منصب شیخ الاسلامی به عنوان یک منصب حکومتی در سال های نخست حکومت این سلسله رسمیت نداشته و از زمان شاه طهماسب اول، این منصب بنا نهاده شده است. برای اولین بار این عنوان را در فرمانی که شاه طهماسب یکم برای محقق کرکی صادر نمود، به کار رفته است. (تاورونیه، ۱۳۶۹، ۵۵۸) اساساً عناوین و مناصب حکومتی بکار برده شده برای عالمان دینی در دوره صفویه هرکدام برای خود سلسله مراتبی از جهت اهمیت نسبت به یکدیگر داشتند که هر یک به حسب موقعیت اداری و مذهبی به انجام امور میبودند. از جمله این عناوین، عنوان "صدر" است که شاه اسماعیل صفوی مؤسس آن بوده است (تاورونیه، ۱۳۶۹، ۵۵۸) و برای اول شخص عالم مذهبی و یا مهمترین مقامات مذهبی این لقب بکار گرفته شده است؛ وظیفه اصلی مقام "صدر" برقراری یکپارچگی عقیدتی از طریق هدایت و تبلیغ شریعت بوده است. (سیوری، ۱۳۹۴، ۷۹)

در این میان "شیخ الاسلام" که توسط مقام "صدر" و بعضاً توسط شخص شاه تعیین می شد، مرتبه پایین تر از صدر را دارا بوده است. کمپفر می نویسد: «شیخ الاسلام از طرف صدر تعیین و با تصویب شاه به کار منصوب می شود.» (کمپفر، ۱۳۶۰، ۱۲۴) اما با آمدن شخصیت‌هایی برجسته‌ای چون: محقق کرکی، شیخ بهائی و علامه مجلسی و انتصاب آنان به مقام شیخ الاسلامی، به تدریج این عنوان اهمیتی فزونی از عنوان "صدر" پیدا نمود. سانسون نیز در این رابطه می نویسد: «این شخصیت روحانی علوم معقول و منقول هر دو را تدریس می کند و در تمام کشور سخنرانی های مذهبی ایراد می کند این روحانی بزرگ جزء مشاورین شاه می باشد.» (سانسون، ۱۳۴۶، ص ۴۳) البته در سال‌های پایانی فرمانروایی صفویان منصب جدیدی با عنوان ملاباشی تأسیس شد، که باعث تضعیف قدرت شیخ الاسلام گردید. (دستور الملوك، ۱۳۸۵، ۶۴)

بهر حال ایجاد منصب شیخ الاسلامی و انتخاب دانشمندان برجسته شیعه در پوشش این منصب نقطه انعطاف فرهنگ جامعه و حاکمیت سیاسی از تصوف به فرهنگ و تعالیم تشیع بود. این مدیریت فرهنگی نوپا نقش مهمی در پایداری فرهنگ شیعه ایفا کرد و با آینده نگری های خاص خود، آموزه های ناب اهل بیت (ع) را از قبیل امامت و عصمت را جایگزین خلافت، و تعالیم اهل بیت (ع) را برای توده ها تبیین و تفسیر نمودند. به گونه ای که به شکل

الهامی و همکاران: کارکردهای فرهنگی منصب شیخ الاسلامی در دوره صفویه ۱۰۷

امر اجتماعی در آمد و از آن زمان تاکنون از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است و نگرش دینی امروز ایرانیان مدیون آن عالمان برجسته می باشد.

جایگاه شیخ الاسلام در ساختار دیوانی:

در دوره صفوی ساختار دیوان دینی در مملکت ایران دارای مناصب مختلف بود که اصولاً علماء به آن مناصب منصوب می شدند. عزل و نصبی که در این ساختار صورت می گرفت خود مبتنی بر یک سری مقررات بود که در چارچوب آن، فردی به منصبی منصوب و یا عزل می شد. در واقع مشروعیت حاکمیت از طریق شیخ الاسلام صورت می گرفت. برای نمونه «نقش شیخ الاسلامها هنگام به تخت نشستن شاه صفی که ما شاهد حضور عالمان در رسمیت بخشیدن به این سلطنت هستیم.» (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸، ۳۸) این احترام و قدرت که در این افراد پدیدار شد «تمایل شیخ الاسلامان به موروثی کردن منصب در خاندان خود به چشم می خورد.» (معلم حبیب آبادی، ۱۳۵۲، ۴۷۸/۲) و برای استحکام این امر آنان «چون صدر با خاندان سلطنت پیوند زناشویی برقراری کردند.» (مینورسکی، ۱۳۳۴، ص ۷۵) در واقع آنان «متصدی افتا و قضا و حل مشکلات بین مردم بودند و همانند پیشینیان آن را بر متبع کتاب و سنت با تبحر در علوم معقول و منقول اطلاق می کردند.» (معلم حبیب آبادی، ۱۳۵۲، ۸۲۰/۳) در هر صورت آنان حلقه های اتصال مردم و حکومت بودند و با تلاش های خود، مردم را از حکومت راضی نگه می داشتند. "منصب شیخ الاسلامی" در ساختار دیوانی دینی به دو قسم شیخ الاسلام پایتخت و شیخ الاسلام شهرستانها و ولایات تقسیم می شدند.

الف- شیخ الاسلام پایتخت

در هر دوره ای سلاطین صفوی معمولاً یک شیخ الاسلام برای پایتخت حکومت تعیین می کردند. شیخ الاسلام پایتخت، شیخ الاسلام کل محسوب می شد که نظارت بر تمام شیخ الاسلامهای سراسر کشور داشت. بنابر اسناد منابع معتبر، تعیین شیخ الاسلام پایتخت به دو طریق انجام می گرفت:

۱- «شیخ الاسلام به وسیله مقام "صدر" تعیین شده و شاه این منصب را به او تفویض می

کرد. این نوع انتصاب در مواردی صورت می‌گرفت، که "صدر" از جهت علم و فقاہت از شیخ الاسلام بالاتر باشد». (کمپفر، ۱۲۴، ۱۳۶۰)

۲- تعیین مستقیم توسط سلطان؛ این امر در مواردی اتفاق می‌افتاد که سلطان شخصاً فردی را برای منصب "شیخ الاسلامی" پایتخت انتخاب می‌کرد. این نحوه انتصاب در صورتی بود که شیخ الاسلام مورد نظر از جهت علم، فقاہت و شهرت بالاتر از مقام "صدر" بود، مانند: محقق کرکی و علامه مجلسی، که این دو بزرگوار مستقیماً به وسیله شاه به این مقام منصوب شدند. در این صورت نقش صدر در تعیین شیخ الاسلام، نقش مشاوره‌ای بوده است. برخی از شیخ الاسلام‌های پایتخت عبارتند از:

۳- محقق کرکی: او به مدت ده سال از سال ۹۲۸ تا ۹۳۸ ه.ق. منصب شیخ الاسلامی و قاضی القضاتی اصفهان؛ مرکز مملکت را بر عهده داشت. (خاتون آبادی، ۱۳۵۲، ص ۴۵۹) وی در روز دوشنبه ۱۸ ذی الحجّه سال ۹۴۰ ه.ق. در نجف اشرف وفات یافته است. (خاتون آبادی، ۱۳۵۲، ۴۵۹)

ب - شیخ الاسلام‌های شهرها و ولایات

به غیر از پایتخت، معمولاً هر شهر و ولایتی برای خود یک شیخ الاسلام داشت، که همانند شیخ الاسلام پایتخت در شهرها و ولایات به وظایف خود مشغول بودند (تاورنیه، ۱۳۶۹، ۵۸۹). ولی شیخ الاسلام‌های همه شهرها و ولایات زیر نظر شیخ الاسلام پایتخت انجام وظیفه می‌نمودند. تاورنیه در این باره می‌نویسد: «در تمام شهرهای عمده مملکت دو نفر به اسم شیخ الاسلام و قاضی هستند که به امورات مذهبی و قانونی رسیدگی می‌نمایند.» (تاورنیه، ۱۳۶۹، ۵۸۹)

کارکردهای فرهنگی منصب شیخ الاسلامی

۱- ایجاد تحول در نظام فکری- فرهنگی:

حکومت صفویه در آغاز با تفکرات صوفیانه بنیان گرفته بود و با اعتقاد به مرشد کامل که شاه اسماعیل اول نماد آن بشمار می‌رفت، فقها به تدریج تصوف را کم‌رنگ کردند و تشیع عالمانه جایگزین آن شد «یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره ظهور علایق شیعی در

الهامی و همکاران: کارکردهای فرهنگی منصب شیخ الاسلامی در دوره صفویه ۱۰۹

مشایخ صوفیه، رواج و اقتدار سلسله‌های صوفیان شیعی از جمله سلسله صفویه، نوربخشیه و نعمت‌اللهیه است.» (تاورنیه، ۱۳۶۹، ۲۸۰) در حقیقت سلسله صفوی گوی سبقت از بقیه ربود و توانست صاحب قدرت عظیمی گردد. این رو؛ دوران صفویه نقطه انعطاف از تصوف به تشیع بود. صفویه تحولات عظیمی در نظام فکری و فرهنگی ایجاد کرد طوری که در تاریخ تشیع بی‌نظیر بود در این دوره تعامل دین و دولت عاملی برای شکوفایی علمی و گسترش مذهب تشیع شد بدین صورت علماء توانستند تحول عظیمی را در بُعد فکری و فرهنگی به منصفه ظهور برسانند با این همکاری آموزه‌های اهل بیت (ع) به قدرت و سرعت در بین توده‌ها رسوخ و نفوذ کرد و جایگاه برتری یافت از تأثیرات این مؤلفه می‌توان به نقش علماء در تغییرات ساختاری دینی سیاسی و اجتماعی فرهنگی اشاره کرد از جمله ایجاد منصب صدر و ملاباشی و شیخ الاسلامی، عزاداری، برپایی جشن‌های غدیر خم و نیمه شعبان و موارد دیگر را اشاره کرد.

۲- ترویج و تبیین مقام امامت و اهل بیت (ع)

در این دوره علما به ترویج و تبیین آموزه‌های اهل بیت (ع) پرداختند و آموزه‌های شهادت طلبی و الگوگیری از واقعه کربلا حائز اهمیت بود و نقش مهمی در اتحاد و رزمندگی و مقاومت سپاهیان از خود بر جای گذاشت.

ترویج روحیه شهادت طلبی با روایت حادثه کربلا است که امام حسین (ع) در مقابل زور و ستم مقاومت کرد تا به شهادت رسید. همین امر در مبارزه با عثمانی به کار گرفته شد و توانستند در نبردهای گوناگون پیروز میدان رزم باشند. امام علی (ع) هم به عنوان امام و پهلوان بزرگ که در داستانهای صوفیانه نقلی شد و در ذهن توده‌ها همچنان باقی مانده بود و طی نسل‌ها منتقل می‌شد و جوانان با شنیدن این داستانها امام شان را الگو قرار دادند تا مثل مولایشان پهلوان بزرگ در بزم باشند.

فیگوئروا در این مورد می‌گوید «ایرانیان به سبب شهادت امام حسین (ع) کینه و بغضی از سنیان یعنی ترکان و عرب‌ها در سینه دارند.» (فیگوئروا، ۳۰۷، ۱۳۶۴) سیاح دیگر نیز می‌نویسد «برگزاری مراسم عزاداری در ایران در بین عثمانیان نیز بازتاب داشته و به این سبب به ایرانی‌ها ناسزا می‌گویند.» (الئاریوس، ۱۳۶۳، ۷۵۷) به هر حال نشر آموزه‌های کربلا نقش مهمی در ثبات و پایداری و مقاومت شهادت طلبانه از خود به جای گذاشت. مراسم در تمام

شهرهای ایران برگزار می‌شد «همین مراسم روزها در مساجد و شب‌ها در مکان‌های عمومی و برخی خانه‌ها که با چراغ‌های فراوان و علامات عزاداری و پرچم‌های سیاه مشخص شده‌اند تکرار می‌شود.» (دلاواله، ۱۳۷۰، ۱۲۵) به هر حال شور و هیجان عمومی سالار شهیدان توسط علماء در بین توده‌ها رسوخ و نفوذ کرد. از دیگر موارد نشر آموزه‌های شیعی می‌توان سجده بر مهری‌ا تربت حسینی را مطرح کرد که «به پیشنهاد محقق کرکی رواج یافت.» (خوانساری، بی تا، ۳۷۵/۴) علاوه بر آموزه‌های شهادت طلبی، مهدودیت نیز عامل اقتدار و جان نثاری و ایستادگی بود که توسط علماء به نحو احسن در بین مردم رسوخ پیدا کرد.

همچنین مرثیه سرایی و اشعار در مصایب اهل بیت (ع) که شکوفایی خاصی پیدا کرد که از نمونه‌های عالی آن می‌توان محتشم کاشانی را نام برد. در این مورد گفته‌اند «این ترکیب بند را محتشم به هدایت علی (ع) در عالم رویا سروده است. که فرمود: بگوباز این چه شورش است که در خلق عالم است.» (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ۲۲۷/۵-۲۲۶)

در این دوره اشعار فارسی تحول شگرفی پیدا کرد. یعنی مدح پادشاهان و امرا به سوی اهل بیت (ع) انعطاف پیدا کرد، همچنین ویژگی‌های امامان از جمله عصمت، علم، صدق، امانت داری، مردم داری و اخلاص ویژه در میان مردم تبیین و تفسیر شد. بدین صورت هم صفات اهل بیت (ع) در بین مردم نشر یافت و هم مردم متخلص به این آداب شدند. همه این موارد که مربوط به تربیت اجتماعی هست، نقش مهمی در فرهیختگی طبقات اجتماعی ایفا کرده، در نتیجه عشق و عرفان حقیقی اهل بیت (ع) میان توده‌ها شیوع پیدا کرد و عرفان خانقاهی به تدریج در مقابل این حقیقت عقب نشینی کرد و به تبع آن عالمان پرهیزکار و وارسته‌ای پدیدار شد که همه‌ی آن موارد را می‌توان به منصب شیخ الاسلامی نسبت داد. در این سیر علمی ایران عصر صفوی علمای محقق که خاستگاه ایرانی داشتند پدیدار شدند و حکمت متعالیه ملا صدرا از نمودهای این منصب به شمار می‌رود که در آن عقلانیت با عرفان اختلاط یافت و ادامه این روند تا عصر حاضر، طراحی علمای شیعه صاحب منصب آن دوره محسوب می‌شود. به هر صورت این مدیریت فرهنگی فرا عصری بود که حاکمان سیاسی مجبور بودند به این امر مبادرت نمایند و در مقابل علماء از این فرصت حداکثر استفاده را نمودند تا میراث امامان را در این سرزمین نهادینه نماید.

۳- احیاء فرهنگ عزاداری (محرم و عاشورای حسینی)

در تاریخ تشیع عزاداری یکی از آموزه های مهمی بود که نقش مهمی در هویت بخشی شیعیان داشت و به جرات می توان گفت که با این آیین ها هویت ایرانی و تشیع در یک قالب خاصی شکل گرفت. «در حقیقت فصل اساسی تاریخ شیعی گری شد» (توال، ۱۳۶۵، ۳۱) طوری که «از نظر ایرانی ها برجسته ترین ایام همین روزهای عزاداری است» (بلوشر، ۱۳۶۳، ۸۷) این امر نشان از تبدیل عزاداری به امر اجتماعی هست که ایرانیان آن را با ارزش ترین روزگار خود می دانند و در کنار آن تکریم این روزها روح سلحشوری و شجاعت را در توده ها می دمید طوری که سربازان با تاسی به شهیدای کربلا جان را فدای رهبرشان می کردند «وقتی که ماه محرم الحرام یعنی ماه عزاداری وارد می شود تمام ساکنین ایران اناثاً و ذکوراً حتی فقرای آنجا به لباس سیاه ملبس می شوند» (ویلس، ۱۳۶۳، ۲۶۵) در واقع، لباس سیاه نماد عزاداری شد و در سیر زمان از نمادهای خاص شیعه به شمار رفت.

این عزاداری ها به حدی در ایثار و جانبازی نیروها تاثیر داشت که در زمان جنگ نیز از آن غافل نمی شدند. شاه عباس «مراسم عزاداری را در هنگام جنگ نیز فراموش نمی کرد.» (ترکمان، ۱۳۸۲، ۵۹۸) برگزاری این مراسم شکوهمند نشان از هوشمندی بزرگان سیاسی و دینی دارد چون آنان به این نکته مهم پی برده بودند که حماسه حسینی شورآفرین است و می تواند رزمندگان صفویه را در مقابل دشمن جسور و مستحکم نماید بخصوص علمای دینی برای این سپاهیان گوشزد می کردند که سپاه عثمانی بقایای همان یزیدیان هستند «شاه عباس دوم هم به تشویق و برگزاری مراسم مذهبی می پرداخت و مانند اجدادش به زیارت مشاهد متبرکه می رفت» (قزوینی، ۱۳۸۳، ۳۴۳) در حقیقت این اتحاد سیاسی یکی از عواملش مراسم عزاداری بود که زمینه را برای ترکیب و وحدت اقوام ناهمگون مهیا کرد. پس باید گفت «استقلال و آزادی سیاسی صفویه بر پایه رسمیت یافتن مذهب تشیع بود... که شیعیان و سنیان جدای از اختلافاتشان به آن تعلق خاطر داشتند.» بدین صورت عزاداری از پایه های قدرت صفوی بود که علما نقش مهمی را در تبیین و تفسیر آموزه های آن داشتند.

۴- ترویج اعیاد و مراسم شادی شیعی

مولفه فوق از مهمترین کارکردهای شیخ الاسلامی هست که نقش اجتماعی مهمی داشت، و عاملی برای اتحاد و همدلی جامعه از خود نشان داد مهمترین اعیاد شیعه که نماد

تجلیل مقام امامت و عصمت اهل بیت (ع) هست عید غدیر بود «روز اول مارس ایرانی ها جشنی برپا می کنند که آن را غدیر خم می نامند.» (اولثاریوس، ۱۳۶۳، ۷۶) روزی که مربوط به «ظهور قائم آل محمد (ص) و غلبه وی بر دجال نوشته اند.» (شعبانی، ۱۳۷۹، ۱۲۷) این عید از مهمترین آیین های مذهبی بود که نماد تشیع و پرچم سرخ شهادت بود که به طور رسمی در سطح جامعه برگزار می شد و نقش مهمی در اتحاد و همبستگی توده های مردمی داشت و سنبل مبارزه و پهلوانی و جوانمردی بود.

در حقیقت این عید اجتماع ناهمگون صفوی را تبدیل به یک رنگی می کرد. و نام مولا علی (ع) متحد کننده ای بود که کسی در مقابل آن تاب مقاومت نداشت و باید کارکرد غدیر را همبستگی اجتماعی شمرد که علما نقش کلیدی داشتند که توانستند با استفاده از غدیر گسستگی را تبدیل به پیوستگی کنند.

تمرکز بر مهدویت نیز یکی از آموزه هایی بود که علما و بزرگان سیاسی بر آن تاکید می کردند. چون حاکمان سیاسی خود را زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) می دانستند «در فرهنگ آیینی این دوره روز میلاد مهدی (عج) که مصادف با نیمه شعبان بود اهمیت بسیاری داشت.» (کروسینسکی، ۱۳۶۳، ۳۵) برای نهادینه شدن مهدویت کارهای خاصی هم انجام می گرفت «شاه طهماسب اول در اصفهان عمارت زیبایی به نام آن حضرت احداث و وقف کرد» (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴، ۵۴) همه این کارها مردم را با آموزه های مهدویت آشنا می کرد این آموزه ها برای اولین بار در تاریخ اجتماعی شیعیان اتفاق می افتاد به هر حال این اعیاد کارکردهای خاصی در جامعه داشت از جمله اتحاد اجتماعی و تبیین آموزه های اهل بیت (ع) قابل توجه بود.

۵- نماز جمعه

برای اولین بار در دوران صفویه زمینه های شکل گیری این عبادت سیاسی-اجتماعی- فرهنگی برای یک حکومت شیعی مهیاء شد و با برگزاری این حرکت عبادی در این دوران بود که قدرت سیاسی و تشکل سیاسی شیعه شکل گرفت و دولت عثمانی به ماهیت سیاسی این حرکت عظیم انقلابی پی برد. نماز جمعه علاوه بر این امر در میان مردم نیز تأثیرات قابل توجهی داشت و چون امامان جمعه به تنویر افکار پرداخته و روش و سلوک اهل بیت (ع) و مسائل سیاسی و اجتماعی برای مردم تبیین و تفسیر می شد. پیامبر اکرم (ص) اولین نماز

الهامی و همکاران: کارکردهای فرهنگی منصب شیخ الاسلامی در دوره صفویه ۱۱۳

جمعه رادر شهر مدینه برگزار کردو در «راه خود به مدینه به هنگام مهاجرت شالوده مسجد قبا راکه نخستین مسجد در اسلام بود.» (بلاذری، ۱۳۶۷، ۱۷) و شیعیان نیز به تاسی از نبی اکرم (ص) به این امر تاسی جستند. در مورد برگزاری نماز جمعه دیدگاه‌های متفاوت وجود داشت. یکی از فقها در این مورد می‌گوید «اگر نبود ادعای اجماع بر عدم وجوب عینی نماز جمعه، قائل شدن به آن در نهایت قوت برد و حداقل می‌توان قائل به وجوب تخییری به وجوب نماز جمعه گردید.» (شهید ثانی، ۱۴۰۱، ۱/۶۶۵) در این میان محقق کرکی نظر متفاوتی دارد «تاکید دارد که فقه منسوب از جانب ائمه حاکم در همه امور شرعیه است.» (کرکی، ۱۴۰۹، ۱/۶۶۵) «شیخ حسین رساله مستقلى نیز درباره نماز جمعه دارد و در آنجا هم به عدم وجود مانع در این عهد برای اقامه جمعه تصریح کرده است.» (آقا بزرگ، بی تا ۷۰/۱۵) و در دوره‌های بعدی ولله اصفهانی ذکر می‌کند «گزاردن نماز جمعه را در میان ارباب ایمانشای گردانید و تا درگاه آسمان جاه اقامت داشت دقیقه ای از دقایق اقامت جمعه و جماعت فرو نمی‌گذاشت.» (واله اصفهانی، خلدبرین، ص ۴۳۳) به هر حال در دوران صفویه اکثر علمای ساکن در ایران «نماز جمعه را واجب عینی می‌دانند.» (سبزواری، ۱۳۷۱، ۱۳۷)

در دوران صفویه به تدریج نماز جمعه برگزار شد «شاه اسماعیل صفوی در قبال دولت عثمانی متمایل به اقامه جمعه شده، خود به انتخاب ائمه جمعه برای شهرهای مختلف پرداخت: در واقع دغدغه شاه اسماعیل اگر معنوی نباشد بعد سیاسی در آن نهفته است چون علماء و بزرگان سیاسی و اهل سنت در عثمانی برگزار نشدن نماز جمعه را ایراد می‌گرفتند بدین خاطر اجرای این عمل عبادی سیاسی از طرف شاه اسماعیل ضروری به نظر می‌رسید. در این میان شیخ کرکی نقش مهمی در این مسئله دارد و در این مورد می‌نویسد «اقامت فرایض و واجبات و اوقات جمعه و جماعت» (روملو، ۲۴۹، ۱۳۷۵). در نظر شیخ مهم است. پس از او شیخ حسین بن عبدالصمد دغدغه دارد «مراتب عالی فقاها و اجتهاد او در معرض قبول و اذغان علمای عصر در آمده در اقامت نماز جمعه که بنابر اختلافی که علمای ملت در شروط آن کرده بودند و مدت‌های مدیدی متروک و محجور بود به سعی بلیغ به تقدیم رسانیده با جمعی کثیر از مؤمنین به آن اقدام می‌نمود.» (ترکمان، ۲، ۱۳۸۲ / ۲۴۷) این گزارش نشان از فراز و فرود این عبادت سیاسی و اجتماعی دارد و چون شخصیت فقهی و علمی شیخ عبدالصمد زبانزد عام و خاص بود اقدام او به این کار انتقادات را کم کرده و باعث ادامهروند نماز جمعه شده است.

در حقیقت برگزاری نماز جمعه نماد قدرت در مقابل عثمانی هم بود چون طرف مقابل در مشروعیت صفویه اشکال وارد می کرد. آنان با اجرای این مراسم، مشروعیت خود را به طرف مقابل نشان می دادند و از طرف دیگر مردم نیز به این باور می رسیدند که دولتشان چنان صاحب شوکت و عظمت است که همچون صدر اسلام نماز جمعه برگزار می کنند. در کنار این موارد نماز جمعه نقش مهمی در تعمیق، گسترش، تبیین، تفسیر و آموزش آموزه های شیعی داشت و می توان گفت صاحبان دین و دولت از این مراسم حداکثر استفاده می کردند تا به اهداف خود برسند. دولتیان با این مراسم تشکیک های عثمانی ها را پاسخ می دادند و اهل دین هم آموزه های اهل بیت (ع) را در پهنای جامعه گسترده ایران پخش و نفوذ می دادند.

۶- تاسیس مراکز علمی و آموزشی

مکتب خانه ها از مراکز مهم و تأثیرگذار در صفویه بودند و نقش مهمی در آموزش آموزه های شیعی داشتند و تأثیرات آن در تمام طبقات جامعه مشهود بود. در این مراکز آموزش های اولیه برای کودکان اجراء می شد و آنان را با آموزه های دینی و نیز آموزش قرآن و الفبا آشنا می کردند.

مساجد هم از اولین جایگاه های آموزش های دینی و علمی بود که پیامبر اکرم (ص) با تأسیس مسجد قبا اولین مرکز آموزشی جهان اسلام را افتتاح کرد. این آموزش در طول قرن های متمادی همچنان ادامه داشت تا به دوران صفویه. در این دوره مدل آموزش همانند گذشته بود ولی آموزه ها تفاوت بنیادین پیدا کرده بود. در این زمان نوعاً سیره واحادیث اهل بیت (ع) به کودکان و بزرگان آموزش داده می شد و بزرگان دینی به تبیین و تفسیر این موضوعات می پرداختند و به تدریج در کنار مسائل عمومی، شریعت دینی مطلب دیگری نیز رخ نمود و آن تبیین و آموزش زندگی اهل بیت (ع) و به عبارت دیگر بیان واقعه کربلا از اعتبار و اهمیت خاصی برخوردار شد و در این مباحث ظلم ستیزی امام حسین (ع) برای توده های اجتماعی روشن می گشت و در توده های مردمی نوعی روحیه شهادت طلبی و مقاومت تا پیروزی پرورش داده می شد. با استفاده از این آموزه ها بود که دولت صفویه توانست در مقابل قدرت عظیم حکومت عثمانی قد علم کند و رقیب سر سختی برای آن دولت گردد. در این مطالب به نقش فرهنگی مساجد پی می بریم و به این نتیجه می رسیم که مساجد پایگاه

الهامی و همکاران: کارکردهای فرهنگی منصب شیخ الاسلامی در دوره صفویه ۱۱۵

مردمی حکومت صفویه شمرده می‌شد که آموزه‌های دینی و حتی سیاسی را برای مردم نشر می‌کردند و این امر نقش مهمی در استحکام پایداری و استمرار صفویه داشت. در کنار مساجد حوزه‌های علمیه وجود داشت و طلاب علوم دینی پس از سالیان متمادی تحصیل و تدریس سطح علمی خود را ارتقا می‌دادند و عنوان استاد یا مبلغ دینی در شهرها و روستاهای ایران به امر تبلیغ و آموزش آموزه‌های دینی می‌پرداختند.

۷- ترویج و مدیریت موقوفات

در دوران صفویه تعداد این مراکز به وفور مشاهده می‌شد. برای اثبات این ادعا باید ذکر کرد «اغلب شهرهای ایران پر است از مدرسه و موقوفه. تنها در اصفهان که پایتخت است و شهری است با شکوه و بزرگی در حدود یکصد موقونه قابل ملاحظه وجود دارد. از موقوفه‌های کوچکتر دیگر صحبت نمی‌کنیم. این دارالعمل‌های دینی تشکیل می‌شوند از مدارس و طلاب.» (کمپفر، ۱۳۶۰، ۱۴۰) این مدارس به حدی شاخص و مطرح بودند که کمپفر آلمانی را متوجه می‌نماید که در مورد مدارس هم قلم فرسایی کند یعنی نمود مدارس طوری آشکار و گسترده بود که این جهانگرد را شیفته خود کرده و به دنبال توصیف و تجلیل می‌کشانند تا به ماهیت اصلی مدارس پی برود در آن دوران طلاب افتخار می‌کردند که شاگرد فلان استاد مشهور شده‌اند. پس باید گفت حوزه‌های علمیه بازوی فرهنگی مهمی برای صفویه بود که نقش مهمی در تعمق، تبیین، آموزش و باور کردن آموزه‌های دینی و سیاسی داشت.

۸- احیاء علوم و ترویج معارف اهل بیت (ع) در ایران

از دیگر کارکردهای شیخ الاسلامی در ایران ترویج علوم اهل بیت (ع) بود. مدارس در این دوران نقش مهمی را ایفاء کردند. در این میان علوم عقلی و نقلی رنگ و بوی شیعی به خود گرفتند از جمله فلسفه، تاریخ، تاریخ نگاری، شعر و نثر در این مورد حائز اهمیت هست در بعد فقهی نیز ایران به عنوان مرکز فقهی تشیع سرآمد شد.

رونق علوم در این دوران طوری بود که حکومت شاه سلیمان در اصفهان «پنجاه مدرسه.» (شاردن، ۱۳۷۴، ۱۷۰/۱). وجود داشت در این دوره کتاب نویسی و نسخه برداری هم مهم بود چنان که نویسنده محافل المومنین می‌گوید «همچون کتب دینی این دوره، در هیچ دوره دیگری نوشته نشده است.» (حسینی عاملی، ۱۳۸۳، ۱۰۸) رونق تولید کتاب و

همچنین فارسی نویسی در این عصر یکی از عوامل شکوفایی زبان فارسی هم محسوب می‌شود چون مواد آموزشی دینی در قالب زبان فارسی ارائه می‌گردید که در هیچ دوره از تاریخ ایران وجود نداشت.

هر چند اداره کلی این مدارس بر عهده صدر یا شیخ الاسلام بود اما در دوران صفویه گاهی مفهومی متفاوت هم داشتند «صدر به عنوان مقامی اداری ترو شیخ الاسلام با مقامی دینی تر شناخته می‌شد گرچه هر دو در اداره امور شرعی دخالت داشتند.» (جعفریان، ۱۳۷۹، ۱/ ۲۲۰) به هر حال این عناوین در هر مفهومی هم که باشند صدرها یا شیخ الاسلام‌ها در مدارس نظارت دقیق و کامل داشتند و برنامه‌های خاصی مدون کرده بودند. روزبهان خنجی می‌نویسد «واسطه بودن صدور میان اهل علم و پادشاه اشاره نموده است.» (خنجی، ۹۵، ۱۳۸۲) در واقع این عالمان هم ناظر هم موسس و هم بازوهای اجرائی بودند که طلاب با خیال راحت به امر تحصیل پیردازند «رؤسای مدرسه از طرف صدر به این سمت انتخاب می‌شوند تا زندگی و رفتار و کردار محصلین را دقیقاً تحت نظر بگیرند. رؤسا باید به طلاب تنبیل یا سبکسر اخطار کنند، افراد ناشایست را از مدرسه بیرون بیندازند و مستمعین کوشا و متعهد را تمجید کنند و با کمکهای سالانه پاداش دهند.» (کمپفر، ۱۳۶۰، ۱۴۲)

در واقع رؤسای مدارس حلقه‌های ارتباطی صدور و طلاب بودند و باید به رفتار و کردار محصلان نظارت کامل داشته باشند تا در محیطی آرام و متعادل به تحصیلات خود ادامه دهند و از بین همین افراد برای آینده صدورها و شیخ الاسلام‌ها تربیت شدند و کارهای دینی را عهده‌دار شوند. شیخ الاسلامی حتی در نوع معماری هم تأثیر گذار بود. نمونه‌های آن را می‌توان در طراحی‌های شیخ بهایی عنوان کرد که طرح نوینی از معماری جدید شکل گرفت و شهر اصفهان که پایتخت صفویه بود یک‌تاز تحول معماری بود «در این دوره شهر اصفهان در پیشاپیش شهرهای مرکزی و شمال ایران، بستر توسعه مدارس جدید با الگوی معماری سنتی بود. از نظر ترتیب کلی پلان آرایش چهار ایوانی کماکان ویژگی اصلی مدارس بود.» (سمیع آذر، ۱۸، ۱۳۷۶)

نتیجه گیری

آنچه از مقاله بر می آید فعالیت‌های انجام گرفته ناشی از تشریک مساعی دانشمندان شیعه و حکومت صفویه هست که برای نخستین بار، فقها و روحانیان شیعه در روزگار حکومت صفوی به کانون قدرت راه یافتند. گزینش شیعه به عنوان مذهب رسمی ایران و کوشش حکومت صفوی در سازمان دادن به تشکیلات مذهبی نیمه دولتی، آغاز دوره‌ی تازه‌ای در رشد و نشو و نماي روحانیت شیعه بود. نقش علمای شیعی در تقویت دولت و پادشاهان صفوی، مشروعیت دادن به حاکمیت، توسعه‌ی فعالیت‌های فرهنگی، دینی، آموزشی، و همچنین پایه ریزی نوعی نگرش سیاسی نسبت به حاکمیت بود. علمای شیعه، چون زمینه را مناسب دیدند، به فعالیت‌های زیر پرداختند:

- ترویج و گسترش معارف دینی نظیر نماز جمعه و...
- ایجاد دوستی و محبت نسبت به خاندان رسول اکرم (ص) که به نص قرآن شریف؛ اجر و پاداش، رسالت آن حضرت بود.
- ایجاد مراکز علمی و نظارت بر آن نظیر مدارس و حوزه‌های علمیه
- تألیف کتب فقهی و کلامی. چون در بخشی از اصول دین و فروع احکام، بین شیعه و سنی اختلاف وجود داشت و غالب مردم از آن بی اطلاع بودند. علماء تألیف و نشر کتب کلامی و فقهی، به خصوص به زبان فارسی، پرداختند.

برپایی آیین‌های مذهبی تشیع از جمله عید غدیر، عزاداری ماه محرم، استفاده از نمادهای شیعی، لباس‌ها و پرچم‌های سیاه و اذان شیعی قابل توجه است. در کنار این موارد زیارت قبور ائمه (ع) و فرزندانشان در بین توده‌ها به شکل امر اجتماعی در آمد. این احترام به حدی شد که مردم به ساخت حسینیه‌ها و تکایا پرداختند بدین ترتیب ایران تبدیل به پایگاه شیعه در جهان اسلام شد.

منابع و ماخذ:

- ۱- ابطحی، سیدمصطفی، رسمیت یافتن تشیع در ایران، تهران، بینا، ۱۳۸۳
- ۲- امینی، ابراهیم بن میرکجل الالدین، فتوحاتشاهی، تصحیح محمدرضانصیری، ناضرانجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷.
- ۳- اولتاریوس، آدام، سفرنامه، ترجمه احمدبهپور، سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، تهران ۱۳۶۳
- ۴- آغاجری، هاشم، تنش دین دولت در ایران عصر صفوی، مرکزبازشناسی اسلام و ایران، تهران، ۱۳۸۰
- ۵- آقابزرگ، الذریع هالی تصانی فالشیعه، ج ۱۵ موسسه اسماعیلی انقم بیتا
- ۶- بلاذری، احمدبنی حیی، فتوح البلدان، ترجمه و مقدمه از محمد توکل، نشرنقره، ۱۳۶۷.
- ۷- بوسئه، هربرت، پژوهشی در تشکیل اتدی و انا سلامی، ترجمه غلامرضا ورهرام، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ۸- تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوترابنوری و تصحیح حمید شیرازی، انتشارات کتابخانه سنایی، ۱۳۶۹.
- ۹- ترکمان، اسکندر بیگ، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱ و ۲ تصحیح ایرج افشار، تهران امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- ۱۰- تهامی، سیدغلامرضا، فرهنگ اعلام تاریخ اسلام، ج ۲، ناشرشرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۵
- ۱۱- جعفریان، رسول، صفویه درعرصه دین فرهنگ و سیاست، ج ۱ قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.
- ۱۲- جنابندی، میرزاییگ، روضةالصفویه، غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۳- حاج سیدجوادی و دیگران، احمد، دایرةالمعارف تشیع، ج ۱۰، نشرشهیدمحبی، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۴- حسینی استرآبادی، حسن بن مرتضی، تاریخ سلطانی، از شیخ صفی تا شاه صفی، باکوشش احسان اشراقی، تهران، علمی، ۱۳۶۴

الهامی و همکاران: کارکردهای فرهنگی منصب شیخ الاسلامی در دوره صفوی ۱۱۹

۱۵- حسینی عاملی، محمد شفیع، محافل مومنین، تصحیح ابراهیم عرب پور و منصور جغتایی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۳.

۱۶- خاتون آبادی، سید عبدالحسین، وقایع السنینو الاعوام، تصحیح محمد باقر بهبودی، ناشر کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۲

۱۷- خنجی، فضلا... بن روزبهان، تاریخ عالم آرای امینی، تصحیحی، محمد اکبر عشیق، ناشر میراث مکتوب، ۱۳۸۲.

۱۸- خواجه اصفهانی، خلاصه السیر، تصحیح ایرج افشار، بنیاد افشار، تهران، ۱۳۶۸

۱۹- خواندمیر، امیر محمود، تاریخ شاه اسماعیلو شاه طهماسب صفوی (ذیل تاریخ حبیب

السیر)، تصحیح دکتر احسان اشراقی و دکتر محمد تقی امامی، تهران، گستره، ۱۳۷۰

۲۰- خوانساری اصفهانی، محمدباقر، روضات الجنات، ج ۴، قم، مکتبه اسماعیلیان، بیتا

۲۱- دلاواله، پیتر، سفرنامه، ترجمه شجاع الدین شفا، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰،

تهران

۲۲- دورسون، داوود، دین و سیاست در دولت عثمانی، ترجمه منصوره حسینی، داود

وفایی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱

۲۳- رنجبر، محمدعلی، مراسم مذهبی در عصر صفوی، انتشارات کوشامهر، تهران

۱۳۹۰

۲۴- سانسون، سفرنامه (وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی،

ترجمه محمدتقی تفضلی، انتشارات ابن سینا، تهران، ۱۳۴۶

۲۵- سبزواری، محمدباقر، روضة الانوار عباسی، به کوشش چنگیزی، میراث مکتوب

۱۳۷۷

۲۶- سمیع آذر، ع، تاریخ تحولات مدارس در ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان

نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور، ۱۳۷۶

۲۷- سیوری، راجر، در باب صفویان، ترجمه رمضان علی روح‌اللهی، نشر مرکز، تهران،

۱۳۹۴

۲۸- شاردن، شوالیه، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۱، چاپ اول ۱۳۷۴

۲۹- شاردن، شوالیه، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۲، چاپ اول ۱۳۷۴

۳۰- شهید ثانی، الروضة البهية في شرح حال لمة الدمشقية، تحقیق السید محمدکلانتر،

۱۲۰ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال دهم، شماره ۲۳، پاییز ۱۴۰۱

مطبعة امیر، قم، ۱۴۱۰

- ۳۱- فیگوئروا، دنگار سیادسیلوا، سفرنامه، ترجمه غلامرضا سعیدی، نشر نو، تهران، ۱۳۶۴.
- ۳۲- کارری، جملی، سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی، عبدالعلی کارنگ، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳
- ۳۳- کمپفر، انگلبرت، سفرنامه، ترجمه کیکاووس سجھاننداری، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۰
قدس رضوی، ۱۳۷۱ شمسی
- ۳۴- محقق کرکی، رساله صلاة جمعه، در مجموعه رسائل کرکی، تحقیق الشیخ محمد الحسون ج ۱، آیت... مرعشی نجفی قم، ۱۴۰۹
- ۳۵- مدرس تبریزی، محمدعلی، ریحانة الادب، ج ۵، انتشارات خیام ۱۳۷۴
- ۳۶- معلم حبیب آبادی اصفهانی، محمدعلی، مکارم الآثار، ج ۳ نشر ذخائر، ۱۳۵۲ اصفهان.
- ۳۷- معلم حبیب آبادی اصفهانی، محمدعلی، مکارم الآثار، ج ۳، انتشارات کمال، ۱۳۶۲ اصفهان
- ۳۸- منتظری، حسینعلی، البدر الزهرا فی صلاة الجمع هوالمسافر، تقریرات درس فقه آیت... العظمی بروجردی، قم دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۶۲
- ۳۹- مهدوی، سید مصلح الدین، تذکره القبور، یا رجال اصفهان، ناشر، کتاب فروشی ثقفی اصفهان چاپ دوم ۱۳۲۷ ش
- ۴۰- میراحمدی، مریم، دین و دولت در عصر صفوی، تهران، امیرکبیر ۱۳۶۹
- ۴۱- میرزا رفیعا، محمد، دستورالملوک، به کوشش و تصحیح محمد اسماعیل مارچینو فسکی، ترجمه علی کردآبادی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ اول ۱۳۸۵
- ۴۲- مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه مسعود رجب نیا، حواشی دبیرسیاقی، انتشارات بهمن، ۱۳۳۴
- ۴۳- توال، فرانسوا، ژئوپلتیک شیعه، کتابون باصر، تهران، انتشارات صبا، ۱۳۶۵
- ۴۴- بلوشر، ویپرت، سفرنامه بلوشر، کیکاووس سجھاننداری، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۳
- ۴۵- چارلز، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، طلوع، ۱۳۶۳

الهامی و همکاران: کارکردهای فرهنگی منصب شیخ الاسلامی در دوره صفویه ۱۲۱

- ۴۶- وحید قزوینی، محمد طاهر، عباس نامه شرح زندگی ۲۳ ساله شاه عباس ثانی، تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان، اراک کتابفروشی داوودی، ۱۳۸۳
- ۴۷- کروسینسکی، تادوزیودا، سفرنامه کروسینسکی، یادداشت‌های کشیش لهستانی عصر صفوی، ترجمه عبدالرزاق دنبلی، با مقدمه و تصحیح مریم میر احمدی، تهران، طوس، ۱۳۶۳
- ۴۸- شعبانی، رضا، آداب و رسوم نوروز، انتشارات بین المللی، تهران، ۱۳۷۹
- ۴۹- فروغی، بری، اصغر، کارکرد مراسم سوگواری عاشورا در رسمی شدن مذهب شیعه در زمان صفویه، فصل نامه مشکوة، شماره ۱۳۸۲، ۸۱
- ۵۰- واله اصفهانی، محمد یوسف، خلد برین حدیقه دوم، با کوشش میرهاشم محدث، بی تا